

مقایسه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری غرب و اسلام بر اساس حدیث حضرت رسول (ص) در تربیت فرزند

محمد گلچین کوهی *

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۱

مرتضی رضایی صوفی **

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

چکیده

دین مبین اسلام برای تمامی امور انسان به‌خصوص تربیت فرزندان، دستورات دقیق و موشکافانه دارد. از طرفی، از جمله عوامل مهم و مرتبط در تربیت فرزند، سبک‌های فرزندپروری است که در غرب تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام شده است. هدف این تحقیق، مقایسه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری غرب و اسلام بر اساس حدیث حضرت رسول (ص) در تربیت فرزند است. این تحقیق، یک مطالعه تطبیقی است که روش تحقیق آن از حیث نوع داده، کیفی؛ از حیث نتیجه، کاربردی و از حیث هدف، اکتشافی است که به روش جرج اف بردی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بین سبک‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مسامحه‌کارانه نظریه به‌ترتیب با سبک‌های سید، عبد و آزاد در حدیث، از نظر تعریف، تفسیر و مفهوم، تطابق کامل وجود دارد. این در حالی است که بین سبک مقتدرانه و وزیر، کمی تفاوت مشاهده شد. به‌علاوه، نظریه غربی، سبک مقتدرانه را در همه سنین مناسب می‌داند، در حالی که حدیث شریف، هرکدام از این سبک‌ها را مناسب دوره سنی خاصی می‌داند. نتایج، حاکی از آن است که این حدیث، قابلیت مطرح‌شدن به‌عنوان نظریه اسلامی فرزندپروری حضرت محمد (ص) در سطح کشورهای اسلامی و حتی جهان را دارد.

کلیدواژه‌ها: مقایسه تطبیقی، فرزندپروری غرب و اسلام، حدیث حضرت رسول (ص)، تربیت فرزند.

مقدمه

یکی از چالش‌های اصلی والدین و درکل، کسانی که با تربیت فرزندان سروکار دارند، نحوه صحیح رفتار با کودک، نوجوان و جوان است؛ به‌نحوی که بتوان بدون صدمه‌زدن به روح و روان آنان و توجه به نیازهایشان، به‌گونه‌ای با آنها رفتار کرد که باعث بروز رفتار موردنظر و مطلوب آنان در خانواده، مدرسه و جامعه شود. این موضوع از جمله موارد مهمی است که سال‌ها نظر صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. در این راستا، نشان داده شد که روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و همچنین سازگاری آنان با وضعیت مختلف اجتماعی، مؤثر است و روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در سلامت روان فرزندان، تأثیر فراوان دارد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۱).

در اسلام، تربیت فرزند از مهم‌ترین وظایفی است که در درجه اول برعهده پدر و مادر و سپس برعهده معلمان و مربیان نهاده شده است؛ چراکه تربیت فرزند، رابطه مستقیم با صلاح و فساد جامعه دارد. چنانکه بسیاری از نابسامانی‌های اخلاقی و رفتاری جوامع کنونی، ناشی از انحرافات اخلاقی نسل جوان است که بخش عمده آن ریشه در تربیت خانوادگی آنان دارد (کوخابی و رودمقدس، ۱۳۹۵).

می‌توان گفت سعادت دنیوی و اخروی فرزند در گرو تربیت صحیح او می‌باشد. از آنجاکه دین مبین اسلام برای تمامی امور انسان، دستورات دقیق و موشکافانه دارد، توصیه‌های بسیار مفیدی در خصوص تربیت فرزندان در آیات و روایات آمده است. به‌طورمثال، در آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان^(۱) از زبان لقمان حکیم، توصیه‌های تربیتی بیان شده است. همچنین در «رساله حقوق» امام سجاد(ع) به‌روشنی بر اهمیت تربیت و فرزندپروری تأکید شده است؛ حضرت می‌فرماید:

و اما حق فرزندان آن است که بدانی او از توست و خیر و شر او در همین دنیا به تو نسبت داده می‌شود و تو نسبت به تربیت شایسته او و راهنمایی‌اش به سمت و سوی خدا و کمک به خداپرستی‌اش، مسئولی و...^(۲). با نگاهی به روایات در این زمینه گستردگی و اهمیت این موضوع مشخص می‌شود.

از جمله عوامل مهم و مرتبط در تربیت فرزند، سبک‌های فرزندپروری یا الگوهای رفتاری ثابتی است که والدین به‌کار می‌گیرند. در واقع، سبک‌های فرزندپروری، الگوهای استاندارد از

تربیت فرزندان هستند که با واکنش مشخص والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می‌شوند (کوپلان و همکاران^۱، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها ارتباط قوی و همسانی را بین سبک‌های فرزندپروری والدین و رفتارهای فرزندان، نشان می‌دهند، از این جمله، می‌توان به رابطه آن با عزت نفس و بهزیستی، رفتارهای خطرناک و سالم و عملکرد مدرسه اشاره کرد (چان و وو^۲، ۲۰۱۰). در واقع، بین سبک‌های فرزندپروری و آسیب‌های روانی فرزندان، ارتباط وجود دارد (رایت و همکاران^۳، ۲۰۰۹؛ دریسکول و همکاران^۴، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، مطالعات متعدد شواهدی را فراهم آورده است که نقش حیاتی سبک‌های فرزندپروری و انضباط مؤثر را برجسته می‌سازد که این امر در تعیین شایستگی اجتماعی کودک، نقش مهمی ایفا می‌کند (پترسون و همکاران^۵، ۲۰۰۰). بنابراین، انتخاب و اجرای سبک مناسب رفتار در ارتباط با کودک و نوجوان توسط والدین و معلمان، بسیار اهمیت دارد.

یکی از احادیث بسیار مهم و گهربار درخصوص تربیت و رفتار با فرزند، حدیث گهربار، نورانی و علمی حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مضمون "الْوَالِدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ....." است.

با مطالعه سبک‌های فرزندپروری در غرب که ادبیات فرزندپروری کشور ما را هم تاحدزیادی تحت تأثیر قرار داده است، عمدتاً از چهار سبک: سهل‌گیرانه، مقتدرانه، مستبدانه و مسامحه‌کارانه در پرورش فرزند یاد می‌شود که از نظر ظاهر بسیار شبیه به سبک‌ها و شیوه‌های رفتاری توصیه‌شده در حدیث شریف است. البته چندین تحقیق در کشور ما درمورد تطبیق نظریات اسلام و غرب در زمینه فرزندپروری انجام شده است، اما به این حدیث شریف که اصول فرزندپروری را تبیین نموده است، توجه ننموده و بیشتر به جزئیات رفتار با فرزند پرداخته‌اند. لذا در این تحقیق برآنیم به مقایسه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری در اسلام و غرب بر مبنای این حدیث شریف پردازیم.

البته هدف از این تحقیق، رد نظریه غربی و یا نادیده گرفتن دستاوردهای آنان و یا برخورد صفر و صد در این مقایسه نیست، بلکه توجه به داشته‌های علمی و دینی اسلام است و لزوم توجه به

1 - Coplan RJ, Hastings PD, Lagacé-Séguin DG, Moulton CE

2 - Chan RS, Woo, J

3 - Wright MOD, Crawford, E, Del Castillo, D

4 - Driscoll, AK, Russell, ST, Crockett, LJ

5 - Patterson GR, DeGarmo DS, Knutson N

نظریه‌ها و اصول اسلامی در این زمینه و عدم پیروی صرف از علوم غربی و نظریات آنان است؛ چراکه با پیروی صرف از آنها خصوصاً در علوم انسانی، نهایتاً جامعه ما به جامعه‌ای غربی تبدیل خواهد شد؛ با اهداف و مسائلی که اکنون در غرب در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح است و مورد تأیید و آرزوی اسلام نیست.

لذا این تحقیق اشاره‌ای است بر حدیثی نورانی و علمی که در آن نهفته است که در صورت عمل به آن می‌توان شاهد حل بسیاری از مشکلات در سطح خانواده و مدرسه بود و در صورت قرارگیری به‌عنوان سیاست ملی پس از مدتی، موجب ایجاد تحولاتی عظیم در جامعه و کشور خواهد شد.

روش تحقیق

این تحقیق، یک مطالعه تطبیقی است. براین اساس، روش تحقیق مورد استفاده از حیث نوع داده، کیفی؛ از حیث نتیجه، کاربردی و از حیث هدف، اکتشافی است. این مطالعه تطبیقی به روش جرج اف بردی شامل مراحل توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه انجام پذیرفت (به نقل از آقازاده، ۱۳۹۳). مرحله توصیف و تفسیر به صورت ادغام انجام شد و ابتدا به توصیف و شرح دیدگاه غربی در خصوص فرزندپروری و بعد از آن حدیث حضرت رسول (ص) در ابعاد آنها به صورت جداگانه پرداخته شد. سپس در مرحله همجواری، اطلاعاتی که در مرحله قبل بررسی شدند، طبقه‌بندی و در کنار هم قرار گرفتند و در مرحله مقایسه، به صورت کلی، کار مقایسه انجام شد. در نهایت یافته‌ها بحث و بررسی شد.

توصیف و تفسیر دیدگاه غربی و حدیث

الف) فرزندپروری یا تربیت فرزند در غرب

فرزندپروری، فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای خاصی است که به‌طور مجزا یا با هم رفتارهای کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در غرب و عمدتاً در امریکای شمالی، تحقیقات زیادی در خصوص سبک‌های فرزندپروری انجام شده است. بیشتر محققانی که تلاش کرده‌اند محیط فرزندپروری را توصیف کنند، به مفهوم سبک فرزندپروری دیانا بامریند^۱ تکیه کرده‌اند. این

نظریه با تعدادی از تحقیقات اولیه‌ای که در قرن بیستم در مورد اجتماعی کردن فرزند صورت گرفته است، همخوانی دارد (احدی و دریاافزون، ۱۳۸۹). این پژوهشگران نیز برای توصیف سبک‌های فرزندپروری، رویکرد ابعادی داشته و معمولاً از دو بعد برای تعیین سبک‌های فرزندپروری استفاده کرده‌اند. به‌طورمثال سیموندز^۱ (۱۹۳۹) این ابعاد را پذیرش - طرد و مسلط - مطیع دانسته است. شفر^۲ (۱۹۵۹) محبت - خصومت و اختیار - کنترل، بیکر^۳ (۱۹۶۴) گرمی - خصومت و محدودبودن - آسان‌گیربودن را از ابعاد سبک‌های فرزندپروری دانسته‌اند (براون و وایت ساید، به‌نقل از احدی، ۱۳۸۹). لذا با بررسی نظریه بامریند^۴ (۱۹۶۶ - ۲۰۱۲) می‌توان مبحث فرزندپروری در غرب را تقریباً به‌طورکامل مورد بررسی قرار داد. بامریند دو بعد پاسخ‌دهی و تقاضا را عامل ایجاد سه روش فرزندپروری عنوان کرده است:

۱ - بعد پاسخ‌دهی (صمیمیت و اطمینان‌بخشی): به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در کودکان، حمایت و اطمینان‌بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد.
 ۲ - بعد تقاضا (کنترل): به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با توانایی‌های فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد (بامریند، ۱۹۹۱).

مشابه این دو بعد رفتار که مبنای تقسیم‌بندی در نظریه فرزندپروری غرب است، در مطالعات رشته مدیریت نیز انجام شده است (از مطالعات اوهایو و دانشگاه میشیگان تا نظریات بلیک و موتن^۴، مک‌گریگور^۵، هرسی بلانچارد^۶ و...) که عبارتند از بعد رابطه‌گرایی که به‌معنای صمیمیت و برقراری رابطه دوستانه با زیردستان است (بعد پاسخ‌دهی) و بعد تکلیف‌گرایی که به‌معنای توجه به وظایف زیردستان و نظارت و کنترل آنها (بعد تقاضا). از این دو بعد سه شیوه فرزندپروری استخراج شده است که عبارتند از: ۱ - مقتدرانه، ۲ - مستبدانه، ۳ - آسان‌گیرانه

همچنین مک‌کوبی و مارتین^۷ (۱۹۸۳) براساس چهارچوب بامریند و براساس دو بعد مذکور

-
- 1 - Simmonds
 - 2 - Baker
 - 3 - Baumvind
 - 4 - Blake & Mouton
 - 5 - Mc Gregor Baumrind, D
 - 6 - Hersey & Blanchard
 - 7 - Maccoby, E.E.; Martin, J.A

یک سبک به سبک‌های فرزندپروری با عنوان مسامحه‌کارانه اضافه نمودند که مشخصه آن پایین‌بودن هر دو بعد پاسخ‌دهی و تقاضا بود. در جدول زیر سبک‌های فرزندپروری براساس میزان تقاضا و پاسخ‌دهی قابل مشاهده است.

جدول ۱: سبک‌های فرزندپروری هوسکینز (۲۰۱۴)

تقاضا (کنترل) کم	تقاضا (کنترل) زیاد	تقاضا / پاسخ‌دهی
آسان‌گیرانه	مقتدرانه	پاسخ‌دهی زیاد
مسامحه‌کارانه	مستبدانه	پاسخ‌دهی کم

۱ - سبک مقتدرانه^۱: هر دو بعد تقاضا و پاسخ‌دهی در سطح بالا؛

۲ - سبک مستبدانه^۲: تقاضاهای بالای و پاسخ‌دهی کم؛

۳ - سبک سهل‌گیرانه^۳: تقاضای کم و پاسخ‌دهی زیاد؛

۴ - سبک مسامحه‌کارانه^۴: حداقل تقاضا و پاسخ‌دهی.

تشریح سبک‌ها

۱ - سبک مقتدرانه

والدین مقتدر در هر دو بعد تقاضا و پاسخ‌دهی در سطح بالایی رفتار می‌کنند. آنها فرزندان خود را به شیوه زبانی و عملی تشویق می‌کنند (هوسکینز^۵، ۲۰۱۴). این والدین با محبت بوده و رابطه گرم و صمیمی با فرزندان خود دارند، ضمن کنترل منطقی فرزندان، توقعات منطقی و عاقلانه از آنها دارند و برای منع رفتار و جلب حمایت فرزندان، دلایل روشنی می‌آورند (خباز و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین از کودکان خود تقاضاهای منطقی دارند و با ایجاد جو عشق و محبت، اجازه ابراز احساسات و بیان نظر به آنها می‌دهند (چادوری و میترا^۶، ۲۰۱۵). در مقالات اخیر بامریند کنترل، با شدت کم‌تری است و تمام انتظارات و تقاضاها با دلیل‌آوری و استفاده از روش‌های منطقی و

- 1 - Authoritative
- 2 - Authoritarian
- 3 - Permissive
- 4 - Neglectful
- 5 - Hoskins H, D
- 6 - Chowdhury, S ;Mitra

عقلایی انجام می‌شود و فرزند با عواقب کارهای خود آشنا می‌گردد و در صورت اشتباه به او کمک می‌شود تا آن را جبران کند (سرخابی^۱، ۲۰۱۲). در غرب، عقیده بر این است که این سبک فرزندپروری با نتایج مثبت رفتاری فرزند، رابطه دارد و مؤثرترین روش بین خانواده‌ها شناخته شده است. نوجوانان با والدین این سبک، کم‌ترین گرایش به رفتارهای پرخطر دارند. زمانی اثر آن بیشتر است که هر دو والدین از این سبک استفاده کنند؛ حتی اگر یکی از والدین سبک مقتدرانه داشته باشد بر رفتار مناسب نوجوان مؤثر خواهد بود (هوسکینز^۲، ۲۰۱۴).

۲ - سبک مستبدانه

این سبک با تقاضاهای بالای والدین و پاسخ‌دهی کم آنها مشخص می‌شود. این سبک مربوط به والدینی می‌شود که تأکید زیادی بر فرمانبرداری و اطاعت بی‌چون و چرا و بدون توضیح در مورد قوانین دارند و حداقل ارتباط و گرم‌بودن با فرزند در رفتارشان مشهود است (بامریند و همکاران، ۲۰۱۰). فرزندان این خانواده‌ها به قوانین تعهد دارند و هنجارها را تاحدزیادی رعایت می‌کنند و گرایش کمی به رفتارهای پرخطر دارند (برونسکی^۳، ۲۰۰۴؛ به‌نقل از خباز و همکاران). از طرف دیگر، آنها که مهارت‌های اجتماعی پایینی دارند، عزت‌نفسشان کم است و افسردگی در آنها زیاد است (میلوسکی و همکاران^۴، ۲۰۰۷). همچنین کاهش استقلال و خلاقیت و تأخیر در رشد اخلاقی نیز در آنها گزارش شده است (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۵).

۳ - سبک سهل‌گیرانه

این سبک با تقاضای کم والدین و پاسخ‌دهی زیاد آنها مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر به‌شيوه مثبت به خواسته‌ها و آرزوهای فرزندان پاسخ داده و درباره تصمیمات خانواده با آنها مشورت می‌کنند. همچنین والدین دارای این سبک، قوانینی وضع نمی‌کنند؛ ظ، خود را با انجام رفتارهای کنترلی درگیر نمی‌کنند و انتظارات کمی از فرزندان دارند (بامریند و همکاران، ۲۰۱۰). نوجوانان با والدین این سبک رفتارهایی چون استفاده از مواد، افت تحصیلی و عدم موفقیت نسبت به فرزندان تربیت‌شده با سبک مقتدر از خود نشان می‌دهند (هوسکینز^۲، ۲۰۱۴).

1 - Sorkhabi, Nadia

2 - Hoskins

3 - Berzonsky

4 - Milevsky, A.; Schlechter, M.; Netter, S.; Keehn, D

۴ - سبک مسامحه کارانه

سبک مسامحه کارانه با حداقل تقاضا و پاسخ‌دهی مشخص می‌شود. براساس ادبیات موجود در زمینه فرزندپروری، بدترین اثر را در مقایسه با سه سبک دیگر، بر فرزند دارد. والدین نسبت به نظارت و حمایت از فرزندان کوتاهی می‌کنند؛ یعنی ضمن اینکه رفتار فرزند را کنترل نمی‌کنند هیچ‌گونه رابطه صمیمی هم با فرزند برقرار نمی‌کنند. لذا فرزندان آنها بیشترین تمایل را به رفتارهای پرخطر دارند و اغلب در همه زمینه‌های روحی، روانی و رفتاری، عملکرد ضعیفی از خود نشان می‌دهند (هوسکینز، ۲۰۱۴).

ب) توصیف و تفسیر حدیث

شخصیت و جایگاه حضرت رسول صلوات الله علیه و آله

پیش از بیان و بحث در خصوص حدیث حضرت رسول (ص)، تشریح شخصیت و جایگاه ایشان در قرآن و کلام خداوند تبارک و تعالی و ارزش دستورات و فرمایشات ایشان لازم به نظر می‌رسد. در سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۸ آمده است:

«لقد جاءكم رسولٌ من أنفسكم عزيزٌ عليه ما عنتم، حريصٌ عليكم بالمؤمنينَ رثوفٌ رحيمٌ»: همانا رسولی از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شما بسیار حریص است و نسبت به مؤمنان رثوف و مهربان است. در جای دیگر خداوند در سوره حجرات آیه ۷ می‌فرماید: و اعلموا أنَّ فيكم رسولَ اللَّهِ لَوِ يطيعكمُ في كثيرٍ من الأمرِ لعنتم: ای مردم، رسول خدا در میان شماست (شما باید از او تبعیت کنید) و اگر او از شما تبعیت کند، قطعاً به سختی و مشقت خواهید افتاد.

دو آیه مذکور، دلسوزی پیامبر نسبت به مسلمانان و لزوم توجه و پیروی از ایشان را تذکر می‌دهند. همچنین در صحت سخنان پیامبر در قرآن کریم در آیه‌های ۳ و ۴ سوره نجم آمده است «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ - إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»: او از روی هوا سخن نمی‌گوید، هرچه می‌گوید وحی است. از تفسیر نمونه نیز چنین برمی‌آید که: این سخن قرآن "ان هو الا وحی یوحی" تنها در مورد آیات قرآن نیست، بلکه به قرینه آیات گذشته، سنت پیامبر را نیز شامل می‌شود که نه تنها گفتار آن حضرت بلکه رفتار و کردار آن جناب نیز طبق وحی الهی است؛ زیرا در آیات ۳ و ۴ سوره نجم، به صراحت بیان شده است: او از روی هوا سخن نمی‌گوید، هرچه می‌گوید وحی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۸۲).

از طرفی، یکی از مراحل مهم مطالعه تطبیقی، تجزیه و تحلیل مدعا و نظریه مورد بحث، به اجزاء و مؤلفه‌های سازنده آن است. برای آنکه تحلیل کامل صورت گیرد و وضعیت روشنی از مسئله مورد بحث حاصل شود، لازم است در گام اول، اصطلاحات و مفاهیم مأخوذ در مدعا و تعیین مراد از آنها و شفاف کردن الفاظ و اصطلاحات به کاررفته در هر مدعا توضیح داده شود که اساسی‌ترین گام برای ارزیابی و داوری در باب هر نظریه است. گام بعد در مطالعه تطبیقی، به صحنه آوردن پیش فرض‌هاست. هر نظریه به پیش فرض‌هایی متکی است که غالباً هنگام ابراز نظریات، پشت صحنه می‌مانند و اظهار نمی‌شوند که صدق مدعیات مطرح شده در یک نظریه، منطقی‌متوقف بر صدق آنهاست (محمدی‌نژاد، س؛ ۱۳۸۵: ۱۷). از آنجاکه حدیث حضرت رسول (ص) در نهایت اختصار و بلاغت صادر شده است، لذا لازم است این دو مرحله به صورت دقیق و موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد تا هم کل نظریه مشخص شود و هم پیش فرض‌های آن آشکار شود.

حدیث حضرت رسول (ص) در مورد تربیت فرزند

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْوَالِدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ. فَإِنْ رَضِيَتْ خَلَاتِمَةُ لِاحِدِي وَ عَشْرِينَ وَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَي جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» (علامه مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۹۵، ح ۴۲ و نیز شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۱۹۵، حدیث ۷).

یکی از احادیث ارزشمند نبوی که در باب تربیت فرزند، راهنمای همه پدران و مادران و مربیان است، این روایت شریف است. این بیان کوتاه، در واقع، چهره زیبای یک گزارش مفصل و یک دستورالعمل طولانی است که در نهایت لطافت، شیوایی و اختصار، روشنگر مسیر حرکت پدران و مادران و مربیان است و در پشت پرده ایجاز و اختصار این کلام، گنجینه‌ای ارزشمند از تعالیم الهی نهفته است.

ترجمه حدیث:

فرزند، هفت سال مولا، هفت سال بنده، و هفت سال وزیر است. پس اگر در سال بیست و یکم روحیات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الا واگذار که در پیشگاه خدا معذوری. برای اینکه بتوانیم حدیث را با نظریه فرزندپروری غرب (نظریه بامریند) مقایسه کنیم، لازم است آن را به اجزائی تقسیم کرده و پیش فرض‌های آن را مشخص کنیم که این موضوع در دو بخش انجام می‌شود.

بخش اول سبک فرزندپروری است؛ در این تحقیق مبنای تشخیص رفتار مشابه نظریه براساس

دو مقوله پاسخ‌دهی و تقاضا در نظر گرفته شده است. البته در رهبری اسلامی نظر بر این است که از دو مقوله رفتار، یکی شدت عمل و دیگری مداراست (پیروز، ۱۳۹۰) و همان‌طور که قبلاً ذکر شد در مدیریت نیز نوع رفتار با زیردستان براساس دو بعد رابطه‌گرایی و تکلیف‌گرایی تعریف می‌شود. البته تعریف ما از پاسخ‌دهی برقراری ارتباط صمیمی و حمایت از فرزند و در نظر گرفتن نیازها و درخواست‌های او و مراد از تقاضا، انتظار از فرزند برای انجام وظایف فردی و اجتماعی و کنترل رفتار اوست که هر دو این موارد، روی یک پیوستار از خیلی‌زیاد تا خیلی کم قرار می‌گیرند. با این تفاسیر با وجود کمی تفاوت، تقریباً این دو دیدگاه را می‌توان یکسان دانست. لذا براساس دو بعد پاسخ‌دهی و تقاضا همان‌طور که مشخص است در حدیث شریف چهار حالت برای رفتار با فرزند در نظر گرفته شده است که عبارتند از ۱- سید، ۲- عبد، ۳- وزیر و ۴- آزاد.

تشریح سبک‌های فرزندپروری حدیث

۱- سید

«سید» نماد موجودی است که نظراً و عملاً نسبت به بندگان خود استقلال و اختیار تام دارد و خود را در رأی و حکم، صائب می‌بیند. لذا انتظار اطاعت بی‌چون و چرای فوری از بندگان خویش دارد و هیچ‌گونه تخطی و سرپیچی را بر نمی‌تابد (پگاه حوزه، ۱۳۸۷). از نظر رسول‌خدا (ص) هفت سال اول زندگی فرزند، دوران سیادت و سروری کودک است؛ بدین معنا که کودک در هفت سال آغازین زندگی باید در خانواده آقایی و فرماندهی کند، از این رو، هر چه می‌خواهد در صورتی که برای او زیانبار نباشد و در توان پدر و مادر باشد، حتی المقدور باید تأمین شود. این دوره که دوره خودمداری است، دورانی است که کودک باید آزاد باشد و مسئولیتی متوجه او نشود. از این رو در روایات آمده است که هفت سال اول، کودک را برای بازی رها سازید (حسینی، ۱۳۹۳)؛ به عبارت دیگر، باید در مورد او حداکثر حمایت و پاسخ‌دهی و حداقل تقاضا صورت پذیرد.

۲- عبد

«عبد» سمبل انسانی است که نه در عمل استقلال دارد و نه رأی او، صائب و مقبول دیده می‌شود. از این رو، هیچ‌گاه طرف مشورت قرار نمی‌گیرد و تنها از او انتظار اطاعت و امتثال کامل می‌رود (پگاه حوزه، ۱۳۸۷). عبد بودن کودک به این معناست که از سوی پدر، مادر یا معلم باید دستور صادر شود و او ملزم به اجراست. این حالت مطابق رفتار و سبک دستوری است که حداکثر تقاضا و حداقل پاسخ‌دهی در آن مشهود است. البته حداکثر تقاضا به معنای خشونت نیست و مراد از

حداقل پاسخ‌دهی حد کم‌تر از متوسط است. زیرا اسلام دین مهربانی و کرامت است. در سیره حضرت رسول (ص) آمده است: کودکان خود را دوست بدانید و با آنان مهربان باشید...^(۳) (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۱۲۶) و "اکرموا اولادکم و احسنوا ادبهم یغفرلکم": کودکانتان را تکریم کنید و آنان را خوب تربیت کنید تا خدا شما را ببخشد (طبرسی، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

۳- وزیر

وزیر، نماینده موجودی است که رأی او مسموع و نظر او مورد احترام است، اما استقلال عملی نداشته و حکم او نافذ نیست. وزیر خود را سزاوار مشاوره و نظرخواهی می‌داند و رأی مستقل می‌دهد و برای خود شخصیت و شأنی همسنگ امیر و حاکم قائل است، گرچه نهایتاً تابع و مطیع اوامر اوست (پگاه حوزه، ۱۳۸۷). این مرحله، مرحله شکوفایی فکری و خودمدیری است که در این مرحله عواملی چون مشورت و تبادل افکار می‌تواند در رشد عقلی جوان، نقش مؤثری ایفا کند. این دوره ایجاب می‌کند که او همانند وزیر خانواده، مورد مشورت قرار گیرد و کارهایی که از او برمی‌آید به وی واگذار شده تا مسئولیت‌پذیر شود (حسینی، ۱۳۹۳). با توجه به این توضیحات، می‌توان وزیر یا حالت مشاوره‌ای را معادل سبکی عنوان کرد که حد متوسطی از پاسخ‌دهی و تقاضا را دارد. لذا رفتار با وزیر، مشاوره‌ای است و در کارها از او نظرخواهی می‌شود.

۴- آزاد

پس از پایان ۲۱ سالگی، وظیفه مستقیم والدین نسبت به فرزندان به پایان می‌رسد و مسئولیت زندگی به فرزند داده می‌شود. پدر و مادر، فقط نظارت کلی و عمومی بر فرزند خود خواهند داشت (پگاه حوزه، ۱۳۸۷). البته رابطه پدر - فرزندی می‌تواند این قسمت را پررنگ‌تر نماید. چنانکه حضرت علی (ع) سفارشات فراوانی را به فرزندان خود که بالاتر از سن مذکور بوده‌اند، داشته‌اند. در این سبک رفتار (آزاد یا تفویضی) حداقل تقاضا و پاسخ‌دهی وجود دارد. بنابراین، خلاصه چهار سبک به صورت زیر است:

۱- سید (حمایتی): حد زیاد پاسخ‌دهی و حد کم تقاضا؛

۲- عبد (دستوری): حد کم پاسخ‌دهی و حد زیاد تقاضا؛

۳- وزیر (مشاوره‌ای): حد متوسطی از پاسخ‌دهی و تقاضا؛

۴- آزاد (تفویضی): حد کم تقاضا و پاسخ‌دهی.

تا اینجا سبک‌های تجویزی حدیث، مورد تعریف و تفسیر قرار گرفت، اما در حدیث شریف

یک موضوع دیگر نیز وجود دارد و آن تعریف دوره‌های سنی ۷ ساله است که هرکدام از این سبک‌ها برای دوره خاصی تجویز شده است. این دوره‌ها شامل: تولد تا ۷ سالگی، ۷ تا ۱۴ سالگی، ۱۴ تا ۲۱ سالگی و بالاتر از ۲۱ سالگی است.

در اینجا یک مسئله مطرح است؛ اینکه مبنای و پیش‌فرض تقسیم دوره‌ها چیست؟ به عبارت دیگر بر چه اساسی این دوره‌های چهارگانه شکل گرفته‌اند؟ در پاسخ باید گفت که حدیث حضرت رسول(ص) براساس رشد و بلوغ فرزند و مراحل آن تجویز شده است. به عبارت دیگر، شکل‌گیری دوره‌ها در واقع یک تقسیم‌بندی رشد است. برای روشن شدن این مسئله توجه به دو حدیث با مضمون مشابه از پیامبر اعظم و امام صادق علیهما السلام موضوع را روشن تر می‌کند. پیامبر(ص) در حدیثی نورانی با تأکید بر سه دوره تربیتی، اصول کلی تربیت و ویژگی‌های اساسی این سه دوره را این چنین فرموده‌اند:

الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ... (شیخ صدوق، ۱۳۸۷: ۴۹۲). پسر بچه هفت سال بازی می‌کند، هفت سال کتاب را فرامی‌گیرد و هفت سال حلال و حرام را می‌آموزد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دَعِ إِئِنَّكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا، وَ الْأَزْمَةُ نَفْسِكَ سَبْعَ سِنِينَ (علامه مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۱۴): بگذار فرزندت تا هفت سالگی بازی کند و در هفت سال دوم او را پرورش و تأدیب و تربیت کن و هفت سال بعد او را همراه و مشاور خود قرار بده. با توجه به این دو حدیث، دو موضوع مشخص می‌شود: یکی اینکه رفتار با فرزند براساس رشد جسمی اوست و دیگری کمک به او در رشد شناختی و درک مسائل دینی و اجتماعی. براین اساس، در این مقاله دو جنبه از رشد، نشانه بلوغ فرزند به صورت پیش‌فرض در نظر گرفته می‌شود: اول توانمندی عملی انجام کار یا وظیفه و دوم توانمندی شناختی که باعث درک فرد از وظیفه او می‌شود.

توانمندی عملی شامل: توانایی جسمانی، تجربه و مهارت انجام کار یا وظیفه. توانمندی شناختی شامل: دانش، نگرش، انگیزه، تعهد و قدرت تصمیم‌گیری فرد در تشخیص و شناخت بایدها و نبایدهای اجتماعی و دینی.

به عبارت دیگر، رفتار با فرزند بر دو مؤلفه استوار است، یکی رشد جسمی او و دیگری رشد شناختی و درک مسائل دینی و اجتماعی (گلچین، رضایی صوفی، ۱۳۹۵)؛ لذا در تشریح

پیش‌فرض‌های مذکور با دقتی شدن در حالات کودک و توانمندی عملی و شناختی او در سنین تولد تا ۷ سالگی، روشن است که هر دو مورد در هفت سال اول کودک بسیار ضعیف است و نیاز به حمایت دارد، لذا ایشان او را سید می‌نامند.

در هفت سال دوم، کودک بسیار پرنرژی و پرتلاش است و از نظر توانمندی جسمانی کمی رشد یافته‌تر شده، اما فاقد شناخت و توانمندی در درک رفتار درست و وظایف خود در خانواده و اجتماع است و یا در صورت درک، حاضر به انجام آنها نیست و نیاز به رفتار دستوری دارد. کلبرگ^۱ نیز در تقسیم‌بندی مراحل نظریه اخلاقی خود بیان می‌دارد: کودکان در این سن^(۴)، اخلاقی عمل می‌کنند تا از مجازات اجتناب کنند یا پاداش بگیرند. از دید آنها، معیارهای اخلاقی از سوی والدین و بزرگ‌ترها تعیین می‌شوند و افراد باید برای گریز از مجازات یا کسب پاداش از آنها پیروی کنند (کرین، ۱۳۷۹). لذا حضرت رسول رفتار مناسب با او را دستوری و وظیفه فرزند را فرمانبرداری (عبد) از پدر و مادر می‌داند. در دوره سوم، فرزند از نظر توانمندی‌های رفتاری به سطح بالاتری رسیده و با توجه به تغییرات دوران بلوغ به سمت استقلال‌طلبی پیش می‌رود، اما هنوز شناخت او نسبت به مسائل پیچیده اجتماعی و دینی کامل نشده است؛ از این رو امام صادق (ع) می‌فرماید: در ۷ سال سوم او را ملازم و همراه خود گردان (الزَّيْمَةُ نَفْسُكَ سَعَى سِنِينَ) و حضرت رسول (ص) در حدیث دیگر یاد دادن حلال و حرام دینی (وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَعَى سِنِينَ) را در این دوره توصیه می‌کنند. پس حدیث، رفتار مناسب با نوجوان را رفتار مشاوره‌ای می‌داند تا در این دوره با مشاوره مسائل جدید با او به مستقل شدن فرد کمک شود و تجربه او افزایش یابد. در نهایت دوره آخر را دوره بلوغ او می‌داند که دوره آزاد و رها شدن اوست.

لذا جدول توانمندی فردی به شکل زیر است.

جدول ۲: توانمندی عملی و شناختی حدیث

تالیاتر از ۲۱ سال	۲۱ تا ۱۴ سال	۷ تا ۱۴ سال	تا ۷ سال
قوی در عمل و شناخت	قوی در عمل و متوسط در شناخت	متوسط در عمل و ضعیف در شناخت	ضعیف در عمل و شناخت

در نهایت نظریه فرزندپروری اسلامی با ادغام توانمندی و بلوغ فردی و سبک‌های توصیه شده در حدیث شریف، به صورت زیر بیان می‌شود.

جدول ۳: تقسیم دوره‌ها و رفتار مناسب هر دوره

دوره	محدوده سنی	توانمندی شناختی / عملی	رفتار مناسب
اول	تولد تا ۷ سالگی	ضعیف - ضعیف	سید - حمایتی
دوم	۷ تا ۱۴ سالگی	ضعیف - متوسط	عبد - دستوری
سوم	۱۴ تا ۲۱ سالگی	متوسط - قوی	وزیر - مشاوره‌ای
چهارم	پس از ۲۱ سالگی	قوی - قوی	آزاد - تفویضی

همجواری حدیث و نظریه فرزندپروری

در این مرحله از مطالعه تطبیقی دو نظر (حدیث و نظریه) که در مراحل قبل تعریف و تفسیر شده‌اند، در کنار هم قرار می‌گیرند تا بتوان کار مقایسه و تطبیق را انجام داد. همان‌طور که توضیح داده شد، در نظریه فرزندپروری غرب و حدیث شریف نبوی، چهار سبک رفتاری وجود دارد. با توجه به دو تقسیم‌بندی سبک رفتاری، طیف رفتار پاسخ‌دهی و تقاضا به سه سطح حداقل، متوسط و حداکثر تقسیم می‌شود. چون سبک رفتار یک متغیر، پیوسته است، با این کار همه موارد موجود در حدیث و نظریه پوشش داده می‌شود. که تطبیق آن، معادل جدول زیر می‌شود:

جدول ۴: جدول همجواری سبک‌های فرزندپروری حدیث و نظریه

حداکثر / حداقل	متوسط / حداکثر	حداکثر / حداقل	پاسخ‌دهی
سید (حمایتی) - سهل‌گیرانه		عبد (دستوری) - مستبدانه	تقاضا
حداکثر / حداکثر	متوسط / حداقل	حداکثر / متوسط	پاسخ‌دهی
			تقاضا
حداکثر / متوسط	متوسط / متوسط	حداکثر / حداقل	پاسخ‌دهی
مقتدرانه	وزیر (مشاوره‌ای)	رها (تفویضی) - مسامحه‌کارانه	تقاضا

خانه‌های تیره به‌عنوان همپوشانی و خانه‌های خاکستری ناهمخوانی و سفید در هیچ‌کدام از نظریه و حدیث ذکر نشده است. با توجه به جدول فوق، حدیث شریف و نظریه در سه مورد از سبک رفتار، همخوانی دارند، اما در سبک وزیر از حدیث، حد متوسطی از پاسخ‌دهی و تقاضا انجام می‌شود، در حالی که در سبک مقتدرانه نظریه در اصلاحات جدید، حداکثر پاسخ‌دهی و حد متوسطی از تقاضا صورت می‌پذیرد که تنها در این حالت حدیث و نظریه با هم ناهمخوانی یا اختلاف نسبتاً جزئی دارند.

مقایسه حدیث و نظریه

با توجه به مطالب مذکور در بخش تعریف، تفسیر و همجواری، اکنون نوبت مقایسه دو نظر در خصوص سبک‌های فرزندپروری است. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود سه سبک سید (حمایتی)، عبد (دستوری) و آزاد (تفویضی) به ترتیب با سبک‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مسامحه‌کارانه از نظر تعریف، تفسیر و مفهوم، تطابق کامل دارند.

اما تفاوت آنها در به‌کارگیری این سبک‌هاست. براساس نظریه، سبک‌های مستبدانه، سهل‌گیرانه و مسامحه‌کارانه، به ترتیب باعث کاهش بیشتری در عملکرد مناسب فرزند در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شوند (هوسکینز، ۲۰۱۴)، این در حالی است که حدیث شریف هر کدام از این سبک‌ها را مناسب دوره سنی خاصی که تشریح شد، می‌داند.

در خصوص سبک مقتدرانه در مقایسه با سبک وزیر یا مشاوره‌ای، کمی تفاوت مشاهده می‌شود. به این ترتیب که سبک مقتدرانه حداکثر پاسخ‌دهی و متوسط تقاضا را بازنمایی می‌کند، ولی سبک وزیر، سطح متوسطی از هر دو بعد را در خود دارد.

براساس نظریه بامریند (۱۹۶۶، ۲۰۱۲) و بسیاری از محققان در این زمینه (هوسکینز، ۲۰۱۴؛ ویجیلا و همکاران، ۲۰۱۳؛ مک کویی و مارتین، ۱۹۸۳؛ برزونسکی، ۲۰۰۴ و...) و تحقیقاتی که در کشور ما انجام شده است (خباز و همکاران، ۱۳۸۹؛ نوروزی و اسدی، ۱۳۹۳؛ دبیری و همکاران، ۱۳۹۱)، سبک مناسب فرزندپروری را سبک مقتدرانه می‌دانند و همان‌طور که پیشتر در تعریف و تفسیر نظریه عنوان شد، تحقیقات نشان داده است، این سبک، مؤثرترین سبک بوده و باعث رفتار مناسب فرزندان و کم‌ترین گرایش آنان به رفتارهای پرخطر می‌باشد؛ یعنی در نظریه

بدون در نظر گرفتن رشد فرزند، از روش مقتدرانه استفاده می‌شود. این در حالی است که در بسیاری از نظریات مدیریتی غربی (نظریه اقتضایی هرسی بلانچارد، X و Y مک گریگور، چهار سطحی لیکرت، نظریه مسیر هدف) سطح توانایی و ادراکی فرد، عاملی برای تعیین سبک رفتار با اوست. اما حضرت رسول(ص) سبک وزیر یا مشاوره‌ای را مناسب سن ۱۴ تا ۲۱ سال می‌داند. زمانی که فرزند نیاز دارد تا با شرایط مختلف و پیچیده اجتماعی و دینی مواجه شود؛ درحالی که توانمندی جسمانی او تقریباً کامل شده است، باید به رشد شناختی و ادراکی او در تشخیص مسائل و تصمیم‌گیری درست، کمک شود. لذا والدین و کسانی که در تربیت او نقش دارند، با مشاوره گرفتن و مشاوره‌دادن، او را در درک مسائل یاری می‌کنند تا بتواند در این دوره، توانمندی شناختی خود را کامل کند.

نتیجه‌گیری

مقایسه حدیث و نظریه در این تحقیق، یافته‌های ارزشمندی را به بار آورد. از طرفی، شباهت‌های شگفت‌آور سبک‌های فرزندپروری در نظریه امروزی با کلامی گهربار مربوط به بیش از ۱۴۰۰ سال پیش و همچنین ارائه ۹ سبک رفتار براساس توانمندی فرزند (جدول ۴) که در این مقاله برای تشریح آن، فرصت حاصل نشد و ان‌شاءالله در تحقیقات آینده به تشریح آن خواهیم پرداخت، ارزشمند است و از طرف دیگر، تفاوت‌های به کارگیری این سبک‌هاست که جای بحث و بررسی بسیار دارد و به نظر می‌رسد تشریح و اثبات عملی دستورات حدیث، نیاز به تحقیقات بیشتری دارد. اما آنچه در این مقایسه مشخص شد، عدم توجه نظریه‌پردازان غربی در بحث فرزندپروری به توانمندی‌های فرزند و دوره‌های رشد در به کارگیری سبک مناسب هر دوره است. البته نظریه بامریند براساس مطالعه وی روی نمونه‌های دوره پیش از دبستان انجام شده است و اثرات استفاده از سبک مذکور در سنین پیش از دبستان بر اجتماعی شدن در دوره نوجوانی مورد بررسی قرار گرفته است و این سبک اساساً برای این منظور تجویز شده است. این درحالی است که بسیاری از محققان، یافته‌های او را در دوره‌های دیگر سنی بررسی نموده‌اند و گاهی تناقضاتی در برخی یافته‌ها دیده شده است. به‌طورمثال، خباز و همکارانش (۱۳۸۹) در مطالعه روی دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۷ سال، سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه را در شکل‌گیری هویت اجتماعی آنان اثرگذار نیافتند.

بروزنسکی^۱ (۲۰۰۴) نیز در مطالعه‌ای مشابه که روی دانشجویان سال اول دانشگاه انجام داد، رابطه‌ای بین سبک مستبدانه و هویت، مشاهده نکرد، اما رابطه منفی بین سبک سهل‌گیرانه و هویت را گزارش کرد. این در حالی است که وایت^۲ (۲۰۰۹) روی دانشجویان سال آخر، عکس این نتایج را به‌دست آورد.

البته خود بامریند معتقد است که بسیاری از تحقیقات به‌خصوص تحقیقات پرسشنامه‌ای نتوانسته است مفاهیم و ابعاد مهم بحث فرزندپروری را در ابزار خود به کار گیرد (سرخابی، ۲۰۱۲). مورد دیگر در این بحث، تغییر موضع بامریند در تعریف سبک مقتدرانه است. گونو معتقد است تغییرات در تعریف سبک مقتدرانه توسط بامریند (پاسخ‌دهی زیاد و تقاضای متوسط) موجب نزدیک شدن آن به سبک سهل‌گیرانه شده است و این سبک را بیشتر برای والدین با ضریب هوشی بالا و سلامت روانی و با فرزندان با ضریب هوشی بالا، مناسب می‌داند (گونو، ۲۰۱۲). همچنین گونو عنوان نموده است که سخت‌گیری و کنترل شدید در برخی سنین توسط والدین انجام می‌شود که فوایدی هم از آنها گزارش شده است (گونو، ۲۰۱۱).

با همه این تفاسیر، نظریه غربی فرزندپروری در داخل خود دارای ابهامات و تناقضاتی است که توجه به تقسیم‌بندی حضرت رسول (ص) می‌تواند چارچوبی برای حل بسیاری از این مشکلات را فراهم آورد.

در بحث حدیث شریف، دستوراتی که از سوی مقام رسالت (ص) - که ایشان خودشان را شهر علم^(۴) معرفی می‌نمایند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۱۳۸) - صادر شده است، برای مسلمانان از ارزش فوق‌العاده برخوردار بوده و لازم است آن را سرلوحه کار و توتیای چشم خود قرار داده و در اجرای آن تمام تلاش خود را بسیج نمایند؛ چراکه هدف اسلام از تربیت فرزند، رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است. اگر مسلمانان این حدیث شریف را به‌عنوان راهبرد اصلی تربیت فرزندان خود در ابعاد خانواده، مدیریت کلاس‌ها و مدارس قرار دهند، پس از مدتی می‌توان شاهد تحولات عظیمی در اخلاق و رفتار فرزندان بود.

فقیه (۱۳۹۱) در این خصوص می‌گوید: "حاصل اجرای چنین مدل تربیتی علمی، ساده و جامع که قابل انجام در همه خانواده‌های جامعه است، قطعاً افرادی خواهند بود که به بلوغ نسبی و رشد

1. Berzonsky, M. D
2. White, R. J.
3. Gunnoe, M, L

یافتگی روانی رسیده و واجد مهارت تصمیم‌گیری هستند و آمادگی دارند در پیوستار رشدیافتگی از مراحل بالای متوسط، وارد اجتماع و سازمان‌ها شوند و در نتیجه با جامعه‌ای بالنده، پویا و پیشرفته مواجه خواهیم بود که افراد آن رشدیافته، بالغ، عمیق، مستقل و جامع‌نگرند و دارای مدیریتی با سبک‌های بالغ‌گرا و نوین خواهند بود" و در نهایت اینکه حضرت رسول(ص) تبعیت کامل از این سبک را وظیفه والدین می‌داند که باعث معذورشدن از حساب الهی می‌شود (فَقَدْ أَعَدَّتْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى).

یادداشتها

۱ - وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۱۳) وَصَيَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِضَالُهُ فِي غَامِئِينَ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۱۴) وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۵) يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۱۶) يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷) وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸) وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹)

۲ - «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ، فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مضافه‌ی الیک فی عاجل‌الدنیا بخیره و شره و آنکه مسئول عمّا وکلیته من حسن‌الادب و الدلاله علی ربّه و المعونه علی طاعته فیک و فی نفسه، فمُتاب علی ذلك و مُعاقب، فأعمل فی امره عمل‌المُتّزین بحسن اثره علیّه فی عاجل‌الدنیا، المعذِرِ إلی ربّه فیما بینک و بیئنه بحسن‌القیام و الأخذ له منه»

۳ - أَحِبُّوا الصَّيِّبَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فُفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرْتُفُونَهُمْ: کودکان را دوست بدارید و به آنها مهربانی کنید و هرگاه به آنها وعده دادید، وفا کنید؛ زیرا آنها شما را روزی‌دهنده خود می‌دانند.

۴ - البته در نظریه کلبرگ، تقسیم‌بندی این رده سنی ۴ تا ۱۰ سال عنوان شده که مرحله‌ای است که کودک رفتار خود را بر مبنای اجتناب از تنبیه و به‌دست‌آوردن پاداش تنظیم می‌کند که به معنای رفتار دستوری والدین با آنها است. درحالی‌که در حدیث، ۷ تا ۱۴ سال مد نظر است. اگرچه از نظر تعیین رده سنی تفاوت مشاهده می‌شود اما هر دو نظر به لزوم رفتار دستوری در بازه خاص کودکی اذعان دارند.

۵ - قال رسول الله (ص): أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ: من شهر دانشم و علی، دروازه آن است؛ آن که دانش می‌خواهد، باید از [این] دروازه درآید.

منابع

قرآن کریم

- احدی، حسن؛ دریاافزون، مونا (۱۳۸۹). مروری بر تاریخچه ارتباط والدین و فرزندپروری، روزنامه آفرینش. آقازاده، احمد (۱۳۹۳). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: سمت.
- پاول، هرسی؛ بلانچارد، کنت ایچ (۱۳۷۱). مدیریت رفتار سازمانی. ترجمه قاسم کبیری. انتشارات جهاد دانشگاهی.
- پرچم، اعظم؛ فاتحزاده، مریم؛ الهیاری، حمیده (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال بیستم. دوره جدید، ش ۱۴: ۱۱۵ - ۱۳۸.
- پگاه حوزه (۱۳۸۷). قرائتی از یک حدیث نبوی پیرامون مراحل و دوره‌های تربیتی / راهنمای تربیت. شماره ۲۴۳. قابل دسترس در: <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/3814>
- پیروز، علی آقا (۱۳۹۰). رهبری در مدیریت اسلامی. نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. سال اول. شماره سوم. زمستان: ۹۱ - ۱۱۶.
- حاکم نیشابوری (۱۴۱۱ ق). المستدرک علی الصحیحین. جلد ۳. بیروت: دارالکتب العربی.
- حسینی، سیدعلی اکبر (۱۳۹۳). اصول تربیت کودک در سیره نبوی (ص). پژوهشکده باقرالعلوم، قابل دسترسی در: <http://pajoohe.ir>
- خباز، محمود؛ سعدی پور، اسماعیل؛ فرخی، نورعلی (۱۳۸۹). آزمون مدل علی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی. شماره ۱۶. سال ۶: ۱۴۵ - ۱۲۷.
- دبیری، سولماز؛ دلاور، علی؛ صرامی، غلامرضا؛ فلسفی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۱). تدوین مدل روابط سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت نفس و شادکامی: الگوی تحلیل مسیر. فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۸، شماره ۳۰: ۱۴۱ - ۱۵۹.
- شکوهی یکتا، محسن؛ فقیهی، علی نقی؛ غباری بناب، باقر؛ خداباری فرد، محمد (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری، تربیت اسلامی ۲ و ۳: ۱۴۰ - ۱۱۵.
- شیخ صدوق (۱۳۸۷). من لایحضره الفقیه. ج ۳. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، تحقیق علی اکبر غفاری.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۷). مکارم الاخلاق. ترجمه و تصحیح محمدحسین رحیمیان، قم: ناشر مؤمنین.
- عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: انتشارات آل البيت لإحياء التراث.
- فقیه، محمد علی (۱۳۹۱). کلید حل مشکل رشدنیافتگی انسان چیست؟ روزنامه رسالت. سال بیست و هفتم. شماره ۷۶۴۱.
- کرین، سی ویلیام (۱۳۷۹). پیشگامان روان‌شناسی رشد. ترجمه دکتر فرید فدائی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- کوخابی، آزاد و رودمقدس، رمضانعلی (۱۳۹۵). بررسی سبک‌های فرزندپروری در منابع اسلامی. بصیرت و تربیت اسلامی. سال ۱۳، شماره ۳۶: ۱۵۰ - ۱۲۹.

گلچین، محمد؛ رضایی صوفی، مرتضی (۱۳۹۵). مقایسه تطبیقی حدیث حضرت رسول(ص) در تربیت فرزند و نظریه اقتضایی هرسی بلانچارد. اولین همایش بین المللی علوم انسانی اسلامی، گیلان، دانشگاه پیام‌نور. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحارالانوار. ج ۳۳. تحقیق و تعلیق سیدجواد علوی. تهران: دارالکتب اسلامی. محمدی‌نژاد، سارا (۱۳۸۵). مطالعات تطبیقی: توصیف، تحلیل و نقد. روزنامه رسالت، شماره ۶۰۷۲. صفحه ۱۷ (اندیشه غرب).

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. ج ۲۲. ج ۳۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه. نوروزی، سهراب؛ اسدی، آلیس (۱۳۹۳). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

- Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior. *Genetic Psychology Monographs*, 75, 43–88.
- Baumrind, D. (1991) Effective parenting during the early adolescent transition. In *Family Transitions*; Cowen, P.A., Hetherington, H., Eds.; Erlbaum: Hillsdale, NJ, USA,; pp. 111–164.
- Baumrind, D. (2012). Differentiating between confrontive and coercive kinds of parental power-assertive disciplinary practices. *Human Development*, 55, 35–51.
- Baumrind, D.; Larzelere, R.E.; Owens, E.B. (2010) Effects of preschool parents' Power: Assertive patterns and practices on adolescent development. *Parenting*, 10, 157–201.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment.
- Chan RS, Woo, J (2010). Prevention of overweight and obesity: how effective is the current public health approach. *Int J Environ Res Public Health*.; 7(3):765-83.
- Chowdhury, S Mitra, M (2015) Parenting Style and Altruistic Behavior of Adolescents' life. *Journal of Research in Humanities and Social Science*. Volume 3 ~ Issue 6 pp:20-24
- Coplan RJ, Hastings PD, Lagacé-Séguin DG, Moulton CE (2002). Authoritative and authoritarian mothers' parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. *Parenting*.; 2(1):1-26.
- Driscoll AK, Russell ST, Crockett LJ (2008). Parenting styles and youth well-being across immigrant generations. *J Fam Issues*.; 29(2):185-209.
- Gunnoe, M, L (2012), Reclaiming the Control Component of Authoritative Parenting. *Human Development, Letters to the Editor*. Calvin College, Grand Rapids, Mich., USA
- Gunnoe, M.L. (2011). Do authoritative parents spank? Evaluations of parents by never-spanked youth and youth spanked during different developmental periods. *Symposium of the Society for Research in Child Development*, Montreal, Que., Canada.
- Hoskins H, D, (2014) Review Consequences of Parenting on Adolescent Outcomes *Societies*, 4, 506–531 . *Journal of Youth and Adolescence*, 33(3), 213-220.
- Maccoby, E.E.; Martin, J.A (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In *Handbook of Child Psychology*; Mussen, P.H., Ed.; Wiley: New York, NY, USA,; Volume 4, pp. 1–103.
- Milevsky, A.; Schlechter, M.; Netter, S.; Keehn, D (2007). Maternal and paternal parenting styles in adolescents: Associations with self-esteem, depression and life-satisfaction. *J. Child Fam. Stud.*, 73, 39–47.
- Patterson GR, DeGarmo DS, Knutson N (2000). Hyperactive and antisocial behaviors: Comorbid or two points in the same process? *Development and psychopathology*.; 12(1):91-106.

- Sorkhabi, Nadia (2012) Variations in Parental Power Assertion: The Difference between the Effects of Confrontive and Coercive Control. Human Development, Letters to the Editor. San Jose State University, of California, Berkeley, Calif., USA
- Vijila.Y, Jose Thomas, Ponnusamy.A (2013) Relationship between Parenting Styles and Adolescent Social Competence. IOSR Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS) Volume 17, Issue 3, PP 34-36.
- White, R. J. (2009). The role of parenting style, ethnicity , and identity style in identity commitment and career decision self-efficacy. Unpublished dissertation, University of Southern California.
- Wright MOD, Crawford E, Del Castillo D. (2009). Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college students: The mediating role of maladaptive schemas. Child abuse & neglect; 33(1):59-68.

